

مسجد اسلام

«فی بیوت اذن الله ان ترفع»

وید کر فیها اسمہ ۱۴ - «

«آیه ۳۶ از سوره نور»

چون مسجد در اسلام یکی از امور مهم و دارای شئون مختلف است که هر يك از آن جهات و شئون شایسته است مورد بحث واقع گردد این است که در طی چند مقاله درباره شئون مختلف مسجد بحث بعمل می آید:

قسمت اول - مقام مسجد در حیات اجتماعی مسلمین:

در علم اجتماع مقرر و مسلم است که حیات هر ملت مربوط به روابط و پیوندهائی است که میان افراد آن ملت استوار و برقرار است و بهر نسبت که روابط و مناسبات و تفاهم و همدردی میان افراد ملتی محکمتر و قویتر باشد حیات اجتماعی نیرومندتر و آبروی ملی بیشتر خواهد بود. حتی علماء اجتماع می گویند یکدسته دزد و غارتگری که در چپاول و یغما با هم ارتباط و اتحاد داشته باشند برای زندگی و بقاء، صالحتر و شایسته تر از جمعی عالم و پارسا کینند که روابط و هدف مشترك و روح تفاهم میان ایشان وجود نداشته باشد. زیرا همان ارتباط و اتحادیکه میان آن غارتگران وجود دارد بحکم قانون ترقی که از قوانین طبیعت است ایشانرا و امیدارد تا روابط نامشروع و مضر خود را بیک رابطه مشروع و مفید مبدل کنند و در نتیجه ملتی متمدن و قوی بوجود آورند. ولی آن دسته پارسا و عالمی که با هم اتحاد و ارتباط ندارند بحکم نفاق و اختلاف داخلی و تشتت آراء صفات پسندیده خود را از کف میدهند و گرفتار انحطاط اخلاقی و جهل و فنا و زوال

۱- تجلی نور خدا در خانه هائیکه فرمان داده است تا مورد تعظیم قرار گیرد و نام وی در آن خانه ها یاد شود

میشوند از این جهت نفاق و اختلاف کلمه از بدترین دردهای اجتماعی است.
 اکنون برای آنکه خوانندگان محترم تصور نکنند که این ادعای ما بدون دلیل است در اینجا بذکر يك دليل روشن و محکم تاریخی می پردازیم: یکی از دانشمندان معاصر مینویسد که در قرن هشتم پیش از میلاد مسیح یونانیان مدت ده سال شهر «تروا» را که در نزدیکی بوسفور بود محاصره کردند و در پایان شهر را آتش زدند؛ در این هنگام سکنه شهر تروا متفرق و پراکنده شدند و دسته کوچکی از ایشان بایتالیا هجرت کردند و در سواحل دریای آدریاتیک سکونت کردند و تنها رابطه مشترکی که میان ایشان برقرار بود حمله بر ملل همسایه بود که بعدکم اجبار برای حفظ حیات میان ایشان برقرار شده بود.

پس از چندی که زندگانی ایشان رونقی گرفت و از بیم گرسنگی و مرگ ایمن شدند بحکم قانون طبیعی خود را بازواج و گرفتن همسر و تولد و تناسل محتاج دیدند و چون دسترسی باین کار نداشتند حیلۀ بکار برده بملل همسایه خود اعلان گردید که در فلان موسم سال ما عیدی بزرگ داریم بمناسبت آن عید جشنهای باشکوه برپا میسازیم و بازیهای قهرمانی و سوار کاریهای جالب توجهی برپا میکنیم و باین مناسبت از شما دعوت می کنیم تا در آن جشن شرکت کنید. همسایگان نیز دعوت ایشانرا پذیرفتند و دره موسم مقرر زن و مرد و کوچک و بزرگ بدانجا رهسپار شدند در این هنگام دسته سواران مانند شاهین بر تماشائیان حمله برده زنان و دخترانشان را ربودند و به پناهگاههای خود بردند و از این تاریخ تولد و تناسل آغاز کردند.

کم کم کار این دسته کوچک بجائی کشید که همه سرزمینهای

همسایه خود را تصرف کردند و امپراطوری عظیمی بوجود آوردند .
 از این مقدمه چنین برمی آید که رابطه اجتماعی و همدردی و
 هماهنگی افراد يك جمعیت اگر چه دزد و غارتگر هم باشند عاقبت
 ایشان را رو بتمدن و ترقی میبرد و از پست جای غارتگری بعالیترین
 مقامات اجتماعی میرساند .

اکنون درست دقت کنید جایی که روابط و پیوند های ظالمانه
 و نامشروع تا این درجه نیروی حیاتی ملتی را قوی و استوار سازد ،
 اگر این روابط بر اساس فضیلت و تقوی و محبت و خدا پرستی برقرار
 شود چه آثار درخشانی بر آن مترتب خواهد شد !

بنا بر این اگر بگوئیم مسجد بزرگترین مظهر حیات اجتماعی
 مسلمین است سخن گزاف نگفته ایم . زیرا مسجد سرزمین مقدسی است
 که آثار حسد و دشمنی و کینه وری و سایر منافرات و ردائیل را برطرف
 می سازد . مسجد آن مکان منزهی است که افراد مسلمین را مانند
 حروف يك کلمه یا کلمات يك جمله با کمال نظم و ترتیب و الفت و
 محبت با هم جمع می کند ؛ حروف پذیرا کننده هیچ معنی نمیدهند ولی
 وقتی با هم ترکیب شدند و کلمات را بوجود آوردند و کلمات نیز با
 هم گرد آمدند و جمله ها را ترتیب دادند هزاران معنای لطیف و مفید
 از آن میان بوجود می آید همچنین افراد پراکنده و متفرق دارای هیچیک
 از مزایا و معانی اجتماعی نیستند ولی وقتی در صفهای جماعت در مسجد
 پهلوئی هم قرار گرفتند هزاران معانی عالی اجتماعی را پدید می آورند .
 آری هر يك از صفوف جماعت در مسجد سطری نورانیست که بدست
 خدا در کتاب بزرگ اجتماعی مسجد نوشته شده است !

در مسجد اسلام هنگامی که نماز جماعت بر پا میشود یکحالت

خضوع و خشوع حیرت آمیزی فرمائید و تنه‌پیشوای جماعت از طرف همه نمازگزاران بخواندن سوره فاتحه‌الکتاب زبان میگشاید و از طرف همه مأمومین با خدا سخن میگوید این جریان بهترین سرمشق وحدت کلمه و توافق فکری است که خود یکی از ارکان مهم سعادت اجتماعی بشمار است. ولی در عین حال امام هم حتی بیک کلمه از روح انفرادی و خود پرستی دم نمیزند بلکه در همه جا از طرف اجتماع سخن میگوید از اینجهت نمیگوید "من" ترا عبادت میکنم یا "من" از تو کمک میجویم بلکه میگوید خدایا "ما" ترا عبادت می‌کنیم و ما از تو یاری میجوئیم، خدایا "ما را" براه راست رهبری کن، آری اینگونه دعا و عبادت روح اتحاد و معنی اجتماع و هدف مشترك را با جان و دل و رگ و پیوند مسلمانان میآمیزد و این وحدت کلمه نشان میدهد که صدای این یکنفر صدای همه اجتماع است و همه افراد مانند دیواری متین و سدی آهنین در پشت سر این کلمه ایستاده و آن را پشتیبانی میکنند و همین عمل سر مشقی است که در همه مراحل زندگی اجتماعی باید از طرف مسلمانان جهان پیروی شود. بهمین جهت آن روز که مسلمانان معنی مسجد و نماز را میفهمیدند بزرگترین نیروهای جهان را درهم شکستند و محکمترین تمدن گیتی را بوجود آوردند.

یکی از دانشمندان بزرگ دنیای کنونی اسلام میگوید: رستم

فرخزاد سیهسالار لشکر ایران وقتی دید مسلمانان یکنفر را پیشوای خود ساخته با او نماز میگذارند و در تمام حرکات و سکنات خود از او پیروی میکنند باین سر بزرگ اجتماعی متوجه گردید و فهمید که

مسجد مظهر يك فكر پاك و مئزهي است كه همه مفسد و خرابيهاي خود خواهانه را بر طرف ميكنند مسجد سرزميني است كه رنگهاي نفاق وهوي وهوس دنيوي را درختم توحيد بيكرنگ تبديل ميكنند و باهمين يكرنگي همه مشكلات زندگي اجتماعي را كه مولود اختلافانست بر طرف ميسازد .

مسجد اسلام از اندیشه های پست مادی و فکر های محدود خاکی پیراسته و منزّه است .

مسجد اسلام قطعه از عالم نور و روح و صحنه از آسمانست كه زمين را بوجود خود ميآرايد و از اين جهت همانطور كه فرشتگان ديوها و شياطين را از آسمانها ميرانند در مسجد نيز فرشتگان فضائل اخلاق و محبت و اتحاد دست بر سينه شيطان نفاق و فتنه و ديو حرص و آز زده ايشانرا از محيط مسجد دور و متواري ميسازند .

همانطور كه آبهاي رودخانه موج زنان از ميان رود ميگذرند و خاكها و گلهاي ساحلي را نميگذارند كه بميان رود راه يابند مسجد نيز رود رحمت و فضيلت و تقوي است كه خاكها و گلهاي دنيا پرستي و خود خواهي و ضعف و انحطاط را نميگذارد بدرون مسجد راه يابند .
يكی از دانشمندان می گوید :

بدیهی است اهل هر شهری بحکم ناموس زندگی بیکدیگر نیازمندند و باینجهت اسلام سقر داشته است تا توانگر و درویش دانا و نادان توانا و ناتوان برای نماز گرد هم جمع شوند و مشکلات زندگی و گرفتاریهای خود را در میان گذارند و هر يك بنوبت خود در رفع آن مشکلات بکوشند تا در نتیجه روح همدردی و مواسات و دوستی و آشنائی میان ایشان محکم گردد. البته وقتی يك جمعيت هر روز پنج مرتبه (بقیه دارد)